افق حوزه
• سال بیست و چهارم
• شماره ۸۵۰
• دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۴
• ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان
Ofogh-e Hawzah Weekly
• صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
• مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه: رضا رستمی
• سردبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه
• تلفن: ۳۲۹۰۰۵۳۸ • نمابر: ۳۲۹۰۱۵۲۳
• صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱
• نشانی: قم، بلوار جمهوری اسلامی، کوچه ۲، پلاک ۱۵
• پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir
• پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir
• کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۶۵۵۸۶۸۰۱ (۰۲۱)

در محضر نور

حضرت امام علی‌بن موسی‌الرضا علیه‌السلام

لا یَستَکمِلُ عَبْدٌ حَقیقَةَ الایمانِ حَتّی تَکُونَ فیهِ خِصالٌ ثَلاثٌ: اَلتَفَقُّهُ فی‌الدّینِ، وَ حُسْنُ التَّقْدیرِ فِی الْمَعیشَةِ وَالصَّبْرُ عَلَی الرَّزایا.

هیچ بنده‌ای به کمال حقیقی ایمان نمی‌رسد، تا این‌که این سه خصلت در او باشد: دین‌شناسی، برنامه‌ریزی در زندگی، شکیبایی بر سختی‌ها و ناملایمات.

تحف العقول، ص ۴۴۶

سخن بزرگان

آیت‌الله العظمی جوادی آملی

هیچ موجودی از هیچ موجود دیگری راضی نمی‌شود مگر به وساطت مقام امام هشتم علیه‌السلام؛ هیچ انسانی به هیچ توفیقی دست نمی‌یابد و خوشحال نمی‌شود مگر به وساطت مقام رضوان رضا علیه‌السلام هیچ نفس مطمئنه‌ای به مقام راضی و مرضی بار نمی‌یابد مگر به وساطت مقام امام رضا علیه‌السلام او نه چون به مقام رضا رسیده است به این لقب ملقب شده است، بلکه چون دیگران را به این مقام می‌رساند ملقب به رضا شد.

نیم‌نگاهی
به یک حدیث صحیح و متواتر

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجعفر طبسی

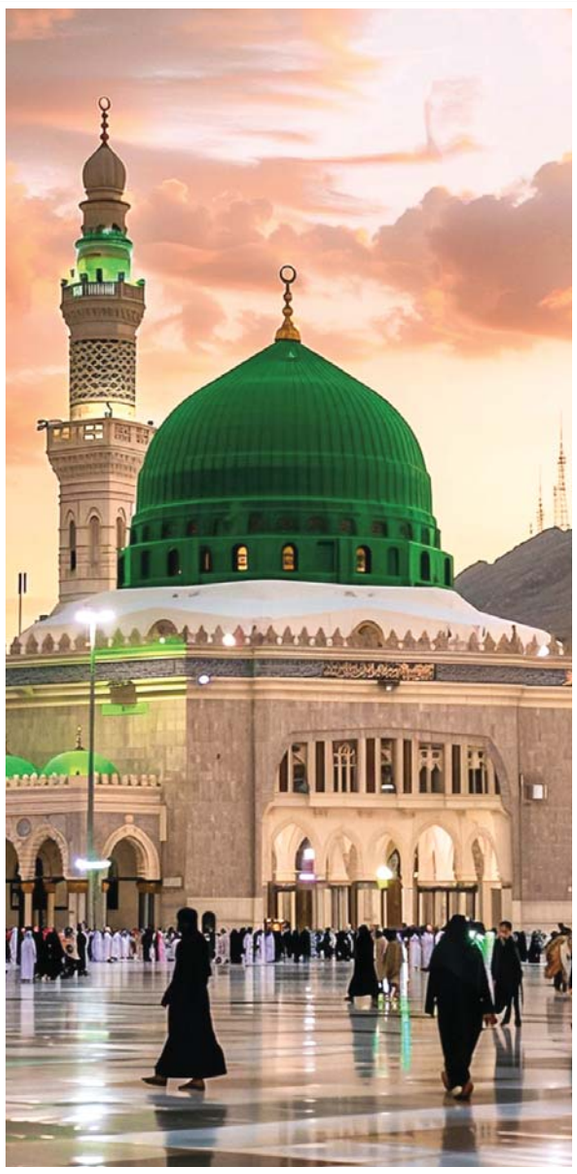

بیست و هشتم ماه صفر سالروز رحلت جانسوز نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله است. از آن وجود نورانی احادیث فراوانی به جا مانده که یکی از آنها، حدیث معروف، صحیح و متواتر ثقلین است.

رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در جاهای مختلفی از جمله در حجة‌الوداع در حضور هزاران اجتماع‌کننده و همچنین در روزهای پایانی عمر شریف خود، این حدیث را بیان نموده است. بزرگان اهل سنت و محدثین آنها، این حدیث را در کتاب‌های خود ثبت کرده‌اند که برخی از آنها عبارتند از:

۱. سلیمان‌بن احمد طبرانی متوفی ۳۴۰ ه.ق در المعجم الکبیر جلد ۶ صفحه ۴۰۶؛

۲. ابن‌مغازلی شافعی‌مذهب متوفای ۴۸۴ در المناقب صفحه ۲۳۵؛

۳. أبی‌یعلی موصلی متوفی ۳۰۷ در مسند جلد ۲ صفحه ۵۰۹؛

۴. خطیب بغدادی متوفی قرن پنجم در تاریخ بغداد جلد ۱ صفحه ۱۸۳؛

۵. ابن‌مردویه متوفی ۴۱۰ در کتاب مناقب علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام صفحه ۱۴۳.

ناگفته نماند که ده‌ها بلکه صدها منبع از منابع اهل سنت به این حدیث پرداخته‌اند.

رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پدر امت است و خود ایشان فرمود: «أنا وعلي أبوا هذه الأمة»؛ یعنی من و علی پدر این امت هستیم. (عوالم‌العلوم والمعارف، ج ۱۵، ص ۲۴۴) پدر امت در آخرین لحظات زندگی دنیوی خود و هنگام جداشدن از امت خود، به دو شیء نفیس و گران‌بها سفارش و تأکید می‌کند: ۱. قرآن ۲. اهل‌بیت علیهم‌السلام. رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌مدت ۲۳ سال در دوران رسالت خود برای این امت زحمت کشید و متحمل رنج فراوان گردید؛ ولی از آنها چیزی جز این دو درخواست ننمود.

• متن حدیث

جناب أبی‌یعلی موصلی، حدیث ثقلین را به‌طور مسند از صحابه رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین نقل کرده: «سمعت رسول‌الله یقول یا أیها الناس إني کنت قد ترکت فیکم ما إن أخذتم به لن‌تضلوا بعدی الثقلین أحدهما أکبر من الآخر کتاب‌الله حبل ممدود من السماء إلی الأرض وعترتي أهل‌بیتي وإنهما لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض» (مسند ابی‌یعلی، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۱۱۴۰)

• فقه‌الحدیث

مهم در اینجا بررسی و دقت در فقه و معنای حدیث است که به‌طور خلاصه به آن می‌پردازیم:

۱. یا أیّها الناس

کلمه ناس شامل همه بشریت و انسان‌های عالَم می‌شود؛ یعنی خطاب رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به یک قشر و گروه خاص یا انسان‌های یک عصر نیست؛ گرچه مخاطب در آن روزگار، مسلمانان آن دوره بودند؛ ولی خطاب مختص به آنها نیست. این نکته‌ای بسیار محوری و مهم در حدیث است که بیان‌گر مسئولیت همگانی در همه اعصار در قبال این فرمایش رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است.

۲. قد ترکتُ فیکم

آنچه رسول‌خدا پس از خود در میان مردم به‌عنوان امانت و ودیعه گذاشت، دو شیء گران‌بهاست: ۱. قرآن و وحی الهی ۲. اهل‌بیت و عترت پاک حضرت علیهم‌السلام.

۳. ما إن أخذتم به لن‌تضلوا

بدون تردید «إن» در بیان رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله «إن شرطیه» است؛ یعنی چنانچه به این دو أخذ و عمل شود، هرگز گمراهی ایجاد نخواهد شد. مفهومش این است که اگر به این دو با هم و در کنار هم عمل نشود، گمراهی و ضلالت قطعی است. حال باید دید که واقعاً پس از رحلت آن‌حضرت چه اندازه به این دو امانت گران‌بها تمسک شد. گرچه بیان پاسخ به این سؤال دشوار است؛ اما باید گفت که امت به سخنان آن‌حضرت عمل نکرد؛ زیرا اگر آن سفارش حضرت عمل می‌شد، اهل‌بیت علیهم‌السلام به شهادت نمی‌رسیدند و ۵۰ سال پس از وفات آن رهبر امت، امام حسین علیه‌السلام در کربلا به شهادت نمی‌رسید. شهادت ائمه اطهار علیهم‌السلام گواه بر این است که امت به حدیث ثقلین عمل نکرده است. گمراهی به سراغ امت آمد، سقیفه بنی‌ساعده به وقوع پیوست و آن همه مصیبت را برای جهان اسلام به وجود آورد تا جایی که شعاع آن، همچنان دنیا را فرا گرفته و خاموش‌شدنی نیست. مشکل اساسی در امت رسول‌خدا این بود که دنبال «حسبنا کتاب‌الله» رفت و به «کتاب‌الله و عترتی» پشت کرد. اینجا مجال پرداختن بیشتر به این مطلب نیست.

۴. وإنهما لن یفترقا

عدم انفکاک میان قرآن و اهل‌بیت در حدیث ثقلین نکته مهمی است که دلالت بر عصمت مطلق اهل‌بیت علیهم‌السلام دارد؛ یعنی همان‌گونه که قرآن برای همیشه از اشتباه و خطا و انحراف مصون است، همسنگ آن یعنی اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز از خطا و اشتباه و انحراف مصون هستند. همان‌طوری که کلمه «لن» در عبارت قرآنی «لن ترانی یا موسی» برای نفی ابدی است، در حدیث ثقلین نیز واژه «لن» برای نفی ابدی است و بیان‌گر این حقیقت است که قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام تا روز قیامت از یکدیگر جدا نمی‌شوند.

۵. وعترتي أهل‌بیتي

حضرت بلافاصله پس از کاربرد واژه «عترتي» از تعبیر «أهل‌بیتی» استفاده کردند؛ یعنی با کوتاه‌ترین عبارت و بدون فاصله، مقصود خودشان از عترت را بیان کردند. در عین حال درباره اینکه مقصود از اهل‌بیت علیهم‌السلام آن‌حضرت چه کسانی هستند، دو نظریه وجود دارد:

۱. منظور از اهل‌بیت، تنها زوجات رسول‌خدا هستند. طرفداران مکتب خلفا چنین نظری دارند.

۲. منظور از اهل‌بیت علیهم‌السلام، امیرالمؤمنین و حسنین و حضرت صدیقه شهیده صلوات‌الله علیهم اجمعین است.

در تأیید نظریه دوم باید گفت که رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در زمان حیات خود، میان مفهوم اهل‌بیت علیهم‌السلام و همسران خود جدایی انداخت. جناب حاکم حسکانی حنفی‌مذهب متوفی قرن پنجم در کتاب «شواهدالتنزیل» روایات متعددی را نقل کرده که حضرت میان همسران خود و اهل‌بیت علیهم‌السلام خود جدایی انداخته است.

۱. ابن‌عباس می‌گوید: «إنما یریدالله» درباره رسول‌خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام نازل شده است. (شواهدالتنزیل، ج ۲، ص ۵۱)

۲. ابوسعید خدری می‌گوید: «إنما یریدالله لیذهب عنکم الرجس أهل‌البیت ویطهرکم تطهیرا» در شأن رسول‌خدا، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام نازل شده است. (شواهدالتنزیل جلد ۲ صفحه ۴۰)

۳. عایشه همسر رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌گوید: رسول‌خدا پارچه‌ای روی امام حسن و امام حسین علیهماالسلام انداخت و فرمود: خدایا رجس را از آنها دور کن. گفتم: یا رسول‌الله آیا من از اهل شما نیستم؟ فرمود: تو بر خیر هستی؛ اما داخل در زمره آنها نیستی. (شواهدالتنزیل، ج ۲، ص ۶۲)

۴. مهمتر از همه این روایات، روایت همسر آن‌حضرت، ام‌سلمه است که می‌گوید: آیه «إنما یریدالله ...) در خانه من بر رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل گردید و آن‌هنگام رسول‌خدا و امیرالمؤمنین و حسن و حسین و فاطمه علیهم‌السلام در خانه حضور داشتند و من هم نشسته بودم و گفتم: یا رسول‌الله آیا من از اهل‌بیت نیستم؟ فرمود: تو از ازواج رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هستی. (شواهدالتنزیل، ج ۲، ص ۸۲)

کاملاً روشن است که بر اساس این فرمایش رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، همسران ایشان، جزء اهل‌بیت علیهم‌السلام نیستند.

عطریار

چه طبیبی؟ چه دوایی؟

غلامرضا سازگار

جز ذکر توأم نیست ثنایی و دعایی
بی حال و هوای تو چه حالی؟ چه هوایی؟
بی زخم تو محروم بود سینه ز مرهم
گر درد نبخشی، چه طبیبی؟ چه دوایی؟
بگذار که چون گرد به خاکت بنشینم
تا بر سر پایم بگذاری، کف پایی
از مرتبه و قدر و جلالش نشود کم
گر پادشهی چشم گشاید، به گدایی
عمری گذراندیم و دریغا که ندیدیم
روزی که ز ما سر نزند، جرم و خطایی
از گوشِ کرِ خود، گله داریم و گر نه
هر لحظه به ما از تو رسیده است، صلایی
مرغان هوا، خلق زمین، ماهی دریا
هر یک به زبانی ز تو گویند ثنایی
ایمن شده از روز مکافات و نگفتیم
هر لحظهٔ این عمر بود روز جزایی
افسوس که در کوی تو بودیم و نبودیم
از پرتو حسنت، نگرفتیم ضیایی
از زلف تو تحصیل نکردیم عبیری
وز رنگ تو بر دل نگرفتیم جلایی
«میثم»، نتوان چید گل از باغ ولایت
تا دست نیاری به سوی خار بلایی

یادداشت

| مفاهیم قرآنی ۲ | تفکر و اندیشه

• استاد جواد محدثی

قدرت فکر و اندیشه از مهم‌ترین نعمت‌های الهی است که می‌تواند پایه سعادت انسان قرار گیرد. در سایه این عطیه الهی، انسان راه حق را تشخیص می‌دهد، خوبی‌ها و بدی‌ها را می‌فهمد و جلوی غلبه هوای نفس را می‌گیرد. عقل، گنجی نهفته در درون انسان و حجت باطنی پروردگار است؛ به‌شرط آنکه آن را به‌کار بگیریم و از رهنمودهایش استفاده کنیم و اگر آن را کنار بزنیم و تفکر و تعقل نداشته باشیم، زندگی‌های‌مان حیوانی خواهد بود. خداوند بدترین جنبندگان را آن‌هایی می‌داند که کر و کورند و تعقل نمی‌کنند: ﴿انّ شرّ الدّوابّ عندالله االصّمّ البکم الذّین لا یعقلون﴾[۱]

در ارزش به کار انداختن عقل و فکر همین بس که تفکر از بزرگترین عبادت‌هاست و ارزش هر عبادتی به‌پشتوانه تعقّلی آن است. تفکر است که مجهولات را برای نسان حلّ می‌کند و لزوم اطاعت از خالق و پرهیز از معصیت را تبیین می‌کند. در آیات فراوانی از قرآن، خدای متعال ذکر آیات و شگفتی‌های خلقت و بیان حکمت‌ها و فرستادن وحی و رسول را با هدف تفکر انسان‌ها دانسته و در آخر این‌گونه آیات، ﴿لعلهم یتفکرون﴾ دعوت به اندیشه و تفکر است.[۲]

حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرماید: «نبّه بالتفکر قلبک»[۳]؛ دلت را با تفکر، بیدار و هوشیار کن و در ثمربخشی این تفکر می‌فرماید: «التفکر یدعوا الی البرّ والعمل به»[۴]؛ تفکر، انسان را به نیکی و عمل به نیکی فرا می‌خواند و به‌دلیل همین ثمربخشی و سعادت‌آفرینی تفکر است که یک ساعت تفکر از عبادت یک سال برتر به‌شمار آمده است.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «تفکر ساعة خیرٌ من‌عبادة سنة»[۵]. نیز از آن حضرت روایت است که بیشترین عبادت ابوذر، تفکر و پندگیری و عبرت‌آموزی بود: «کان اکثر عبادة ابی‌ذرٍ التفکر والاعتباره»[۶]. نیز سخن امام علی علیه‌السلام است که: «لاعبادة کالتفکر»[۷]؛ هیچ عبادتی همچون تفکر نیست.

• موضوع و محور تفکر

با توجه به اهمیت و سازندگی و راه‌گشایی تفکر، باید دید تفکر درباره چه چیزی لازم، مفید و ارزشمند است؟

در آیات و روایات، موضوع تفکر هم بیان شده است. به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

۱. تفکر در آیات الهی: آنچه در جهان هستی است، مولود اراده و قدرت خداست و هر کدام به‌نحوی دلیلی بر وجود او و برهانی بر اراده حکیمانه خداوند در خلقت موجودات است. تفکر درباره آنها انسان را به خدا می‌رساند. این آیات، برخی «آیات انفسی» است؛ شگفتی‌هایی که در وجود خود انسان است؛ چه در جسم و چه در روح و برخی از آنها «آیات آفاقی» است؛ یعنی آنچه در گستره جهان بیرون از وجود ماست؛ از گیاهان، حیوانات، کوه‌ها، دریاها، جنگل‌ها، ستاره‌ها و کهکشان‌ها و میلیون‌ها موجود ریز و درشت دیگر که همه مظاهر صنع الهی‌اند. روش قرآن ذکر نمونه‌های متعددی از اینهاست. با این هدف که مردم در آنها و فلسفه و حکمت و حق‌بودن آنها بیندیشند: ﴿ویتفکرون فی خلق سماوات والأرض ربّنا ما خلقت هذا باطلاً﴾[۸] و ﴿یتبین الله لکم الآیات لعلکم تتفکرون﴾[۹]

۲. تفکر در قرآن: گرچه این کتاب الهی و جمله جمله‌اش آیه‌های خدایند؛ اما به‌دلیل اینکه برخی در حقانیت و وحی‌بودن آن تردید و انکار داشته‌اند، قرآن دعوت می‌کند که در خود این قرآن و اعجاز و بی‌همانندی آن و ناتوانی بشر از آوردن مثل آن، نبودن اختلاف و تضاد در آیات قرآن و معارف بلند و متعالی کلام الهی بیندیشند. از جمله این آیه: ﴿افلا یتدبرّون القرآن ام علی قلوب اقفالها﴾[۱۰]؛ آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ یا آنکه بر دل‌های‌شان قفلی زده شده است؟

۳. تفکر در باره مرگ: عمر انسان گذرا و حیات او فانی است. مرگ انسان را وارد مرحله جدیدی خواهد کرد که ثمره خوبی‌ها و بدی‌ها به او خواهد رسید. در این حقیقت باید اندیشید. تفکر درباره مرگ، ایجاد آمادگی برای پس از مرگ می‌کند و انگیزه برای برداشتن ره‌توشه راه آخرت پدید می‌آورد. از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است: «افضل التفکر ذکر الموت»[۱۱]؛ بهترین تفکر یاد مرگ است. تفکر درباره مرگ، غفلت را می‌زداید و دل را بیدار می‌سازد.

۴. تفکر درباره معاد: مراحل سختی که انسان پس از مرگ با آن مواجهه خواهد بود، مثل عالم برزخ، حشر و حضور در عرصات محشر، محاسبه اعمال انسان، داوری خدا میان بندگان، عبور از صراط، سرنوشت و سرانجام بهشت یا جهنم،... قابل تفکر است.

آیات قرآن نمونه‌هایی از آن صحنه‌ها را بازگو می‌کند تا فکر انسان معطوف به آنها شود و خود را آماده ورود به آن مراحل بسازد.[۱۲]

۵. تفکر در سرانجام تبهکاران: دنیا موزه عبرت‌ها و پندهاست و تاریخ بشر سرشار از مواعظ است. تفکر درباره عاقبت گنهکاران و مفسدان و نابودی ستمگران و جبّاران، از موضوعات مورد دعوت قرآن کریم است. بیان حکایات امت‌های پیشین، برای عبرت‌گرفتن و اندیشه در سرنوشت آنان است. ﴿فاقصص القصص لعلّهم یتفکرون﴾[۱۳]. قرآن نیز پس از ذکر نمونه‌های متعدد از سرانجام تباه انسان‌های بد دعوت می‌کند که ببینید، عاقبت آنان چه شد و یا تعبیر ﴿کیف کان عاقبة الذّین من قبلهم﴾، ﴿کیف کان عاقبة المجرمین﴾، «کیف کان عاقبة المکذّبین﴾[۱۴] و ...، به سرنوشت تلخ و عبرت‌انگیز آنان توجه می‌دهد. توجه و تفکر درباره آنان برای خردمندان بسی آموزنده است.

۶. تفکر در نعمت‌های خدا: غفلت انسان از نعمت‌ها و صاحب آنها، او را ناسپاس می‌سازد. یادکرد نعمت‌ها و فکر درباره انواع مختلف نعمت‌های نهان و آشکار و مادی و معنوی و کوچک و بزرگ، انسان را به لطف و احسان خدا درباره او آگاه می‌سازد و زمینه شکر و بندگی را فراهم می‌آورد. در حدیثی پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: عاقل باید وقت خود را سه بخش کند: ساعتی برای مناجات با خدا، ساعتی برای محاسبه نفس و ساعتی هم برای تفکر در آنچه خدا درباره او انجام داده و به او عطا کرده است. «وساعَة یتفکّر فیما صنع‌الله عزوجل الیه»[۱۵] امام علی علیه‌السلام نیز فرمودند: «التفکّر فی آلاءالله نعم العبادة»[۱۶]؛ تفکر در نعمت‌های خدا چه عبادت خوبی است.

۷. تفکر در اعمال خویش: این همان محاسبه عمل است و اندیشه درباره کارهای نیک و بد و یافتن راه برای افزایش صالحات و چاره برای جبران سیئات.

در کنار این همه توصیه به تفکر از برخی تفکرها هم نهی شده است. از قبیل تفکر در ذات خدا، تفکر در غیر امور حکمت‌آمیز، تفکر در گناه و...؛ چراکه در برخی از اینها فکر انسان عاجز از درک است، در برخی هم فکر شیطانی انسان را به عمل شیطانی می‌کشد.

امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «من کثر فکره فی المعاصی دعته الیها»[۱۷]؛ هرکه درباره گناهان زیاد فکر کند، معصیت‌ها او را به طرف خود می‌کشد؛ از این‌رو باید ورودی ذهن و فکر را به امور ناپسند و وسوسه‌های شیطانی بست.

• پی‌نوشت‌ها

۱. انفال، آیه ۲۲؛
۲. از جمله: نحل، آیه ۴۴، اعراف آیه ۱۷۶، حشر آیه ۲۱ و ...؛
۳. کافی، ج ۲، ص ۵۴؛
۴. همان، ص ۵۵؛
۵. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۲۷؛
۶. همان، ص ۳۲۳؛
۷. همان، ص ۳۲۴؛
۸. آل‌عمران، آیه ۱۹۱. نیز آیات رعد ۳ و ۴، واقعه ۶۳ تا ۷۲، روم ۲۰ و ۲۱ و ده‌ها آیه دیگر؛
۹. بقره، آیه ۲۱۹؛
۱۰. محمد، آیه ۲۴، نیز ر.ک: بقره ۲۳، یونس، ۳۸، اسراء ۸۸ و ...؛
۱۱. بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۳۷؛
۱۲. از قبیل آیات: انفال ۵۰، انعام ۹۳، حج ۱و۲، عبس ۳۴؛
۱۳. اعراف، آیه ۱۷۶؛
۱۴. روم ۳، اعراف ۷۴ و نحل ۳۶؛
۱۵. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۲۳؛
۱۶و۱۷. غررالحکم، حدیث ۱۱۴۷ و ۸۵۶۱.